



۲۰۱۶/۰۳/۲۱

فریبا عادلخواه

قتل فرخنده و نگاه مردم خاموش

یادداشت:

- ۱- این مضمون عالی دو هفته بعد از فاجعه قتل دختر بیگناه، بی پناه و مظلوم افغان "فرخنده" (۲۰۱۵/۰۳/۳۱) که هنوز معلومات دقیقی از جریان کشتار وحشیانه آن هموطن مظلوم و بی دفاع در دست نبود، در صفحه انترنتی بی. بی. سی. تحریر گردیده است
- ۲- کلمات و اصطلاحات فارسی ایران در این متن عالی و پر از احساس نویسنده معزز محترمه میرمن فریبا عادلخواه محقق و پژوهشگر افغان در علوم سیاسی، با رعایت محتوای آن به زبان زیبایی دری افغانستان تعدیل شده است که جداً امیدوارم سبب برافروختگی نویسنده عالی مقام نگردد. برای آنهایی که خواسته باشند متن اورژینال آنرا مطالعه فرمایند لینک آن در ذیل گذاشته شده است. با عرض حرمت. و. ا. نوری

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/zs_fariba_adilkhah150328/03/2015

خبر لت و کوب کردن فرخنده و سوزاندن وی در روز ۲۸ حوت، به دلیلی که بی احترامی وی به قرآن یا مقدسات ذکر شد، با انعکاسات وسیعی در روزهای اخیر همراه بوده است.

جزئیات این حادثه اما همزمان با تصاویر زنده و بسیار سهمگینی به دست ما رسید و بلا فاصله، و البته مثل همیشه، انگشت اتهام به طرف افراط گرایی دینی و نیز مسؤولیت پولیس متوجه شد، که هر چند بتوان آن را قسمتی از واقعیت به حساب آورد اما تمام آن نیست.

بر اساس تصاویر ضبط شده بر روی یوتیوب و با اشاره به بعضی زوایای فاجعه که از نظرها پنهان مانده است، می توان به ابعادی از مسؤولیت گریزی و انفعال جامعه در مقابل خشونت اشاره کرد.

به عبارت دیگر باید گفت که اشاره تکراری به تعصب و افراطی گری، به نظر بهانه ای است برای سلب مسؤولیت کردن از جامعه و پوشاندن عیوب آن که مقصر معضلات و مشکلات خود را همیشه به گردن دیگری انداخته یا بیگانه می داند.



تصاویر زنده چه می گویند؟

در مقطعی که به نظر مقطع میانی فاجعه است، هجوم گروه خشمگین از مردان را می بینیم که به طرف جسم سیاهی که بی حرکت بر زمین افتاده حمله ور شده اند. خیلی زود متوجه می شویم که این گروه که سلاح دیگری به غیر از چوب در اختیار ندارد، که در دست سه یا چهار تن از آنهاست، قصد جان آن جسم سیاه را کرده اند که دیگر روشن است که فرخنده است.

تصاویر بعدی حکایت از نزاع در میان مهاجمان دارد یا شاید معامله میان شان. کسی سعی در متفرق کردن جمع دارد، بعضی به پیش می روند و بعضی دیگر خود را عقب می کشند، اما دوباره هجوم به طرف طعمه آغاز شده، اوج می گیرد و تا پای قربانی کردنش پیش می رود.

و سپس تصاویر آتش است که فرخنده را نشسته در آن می بینیم، آتشی که با بلعیدن وی به طغیان احساسات خشونت بار خاتمه داده و جمعیت را پراکنده می سازد. هر چند بعضی عکس ها از حضور عده ای حکایت دارد که تا آخرین دقایق خاموش شدن آتش در صحنه بوده اند.

اما افسوس این تصاویر دهشتناک نه تمام واقعه است و نه عمق فاجعه. زیرا با تأسف باید گفت که نه تنها می شد از وقوع این فاجعه جلوگیری کرد، بلکه مسؤولیت آن امروز به دوش یکایک ماست.

به بیانی ساده تر باید گفت که داستان این نیست که عده ای متعصب افراطی، به تنهایی و بدون از چشم دیگران، وارد مکانی شده باشند و بعد از انجام وظیفه خطیر خود که همان کشتن فرخنده باشد، از میدان گریخته باشند.

عکس ها و فیلم های موجود، از حضور عوامل دیگری سخن می گویند که چون سیاهی لشکر از اولین دقایق درگیری در صحنه حضور داشته اند، که صد در صد بدون آنها ارسال هیچ تصویری از چنین جنایتی امکان پذیر نمی بود. سیاهی لشکری که حتی اگر دستش به خون فرخنده آغشته هم نباشد، اما بدون شک مسؤل و سهیم در سرانجام خونین او است.

در تصاویر موجود، شاهد حضور جمعیت عظیمی هستیم که دورادور میدان قتلگاه را گرفته اند و از بالا و نیز از اطراف آن، بدون کوچکترین عکس العملی، فاجعه را تماشا می کنند. جمعیتی که ده ها برابر مهاجمان اند و تمام صحنه فاجعه را در اشغال خود دارند و از دایره نزدیک و به چند قدمی گروه مهاجمین تا بلندی های مشرف به کنار دریای کابل، در برابر مسجد شاه دو شمشیره، شانه به شانه هم ایستاده اند و سرانجام فاجعه را انتظار می کشند.

و در بخش دیگری از فیلم ها، تصاویر گوشی هایی است در دست عده ای از ناظران این وحشی گری که، با حوصله از بالای سر جمعیت حاضر، جای و محل قتل گاه را نشانه گرفته اند، تا به این ترتیب بتوانند با ضبط آن، واسطه ای جهت انتقال این لحظات خونبار به دیگران باشند.

باید گفت که مسؤولیت جنایت ۲۸ حوت نه فقط با افراط گرائی است یا با پولیس است، بلکه با نظاره گران حاضر در میدان خونریزی است که به جای هر حرکت مسؤلانه ای سرگرم فیلم برداری و در انتظار سر انجام فاجعه بودند. امروز دیگر مهم نیست که به چه دلیل عده ای بر سر فرخنده بی پناه ریخته و تا پای مرگ او را شکنجه کرده باشند. بلکه مهم اینست که دختری بیکه و تنها مدت ها، چه بسا ساعت ها، در زیر چشم صد ها نظاره گر، به شمول ناظر، عکاسان آماتور، حاملان موبایل و رهگذران بی خیال، لت و کوب گشته و بعد سوزانده شده، بدون آنکه کوچکترین عکس العملی از کسی در جهت مقابله با خشونت و دفاع از زن بی پناهی یک انسان سرزده باشد.

در واقع هر چه دلیل درگیری میان فرخنده و فروشنده تعویذ نویس باشد که به نظر جرقه اولیه این فاجعه را زد و نیز هر چه درجه ضعف پولیس محلی باشد که از شواهد موجود در عکس ها، در مقطعی فرخنده آغشته به خون را در کنار خود داشته و در مقطعی دیگر با تحویل او به خیابان به دلایل نا دانسته سند قتل وی را امضاء می کند.

ما این هر دو معمای مرگ دلخراش فرخنده ذره ای از مسؤولیت نظاره گران فاجعه نمی کاهد. زیرا نه تنها تعداد آنها چندین برابر مهاجمان بود، بلکه به دلیل نبودن سلاح گرم در آن میان، مقابله با آنها غیر ممکن به نظر نمی رسید. باید گفت که مسؤولیت جنایت ۲۸ حوت نه فقط با افراط گرایی است یا با پولیس است، بلکه با نظاره گران حاضر در میدان خونریزی است که به جای هر حرکت مسؤولانه ای سرگرم فیلم برداری و در انتظار سر انجام فاجعه بودند. اشاره به مسؤولیت افراط گرایی، کار آسانی است، اما مسؤولیت این جنایت فقط بر دوش افراط گرایی نیست.

به عبارتی افراط گرایی را با مسؤولیت ارتباطی نیست، چرا که بنا بر نامش، با افراط عجین و مسؤولیت ناپذیر است. مسؤولیت ی اگر هست بر دوش همه کسانی است که در مقابل جهالت و هجوم وحشیانه افراطیون، این چنین منفعل، بی حرکت، دست به سینه و مطیع ایستادند.

به نظر می رسد تهدید طالبان و افراط گرایی وسیله ای شده است برای سر پوش گذاشتن بر انفعال جامعه در مقابل خشونت. تهدیدی که بیش از هر واقعیتی، کلاه شرعی مسؤولیت گریزی است.

پایان

